

مشروطه، مجلس اول، مجلس دوم

نویسنده: سید عبدالمجید - زواری

در 9 سپتامبر 1906 (17 شهریور 1285) قانون جدید انتخابات به تصویب رسید. تعداد نمایندگان 156 نفر معین شد، اما تا 200 نفر قابل افزایش بود. برای ایالت‌ها انتخابات دو مرحله‌ای تعیین شد؛ اما انتخابات تهران مستقیم بود. 60 نفر از 156 نماینده مجلس از تهران بودند. به ایالت‌های مهم از جمله آذربایجان که مقر ولیعهد بود هر کدام دوازده نماینده اختصاص یافت. ولایت‌ها مثل گیلان و طوالش در منطقه خزر شش نماینده داشتند. همین عدم تناسب موجب منازعاتی در کشور شد و در مجلس بر سر آن بحث در گرفت. شش دسته از رأی‌دهندگان به این صورت مشخص شدند: شاهزادگان و اعضای ایل قاجار، علما و طلاب، اعیان و اشراف، مالکان و فلاحان، تاجران و اصناف. برای سه دسته‌ی آخر، چه در نامزدی انتخابات و چه در رأی دادن، شرط حداقل ثروت تعیین شد. مالکان و فلاحان می‌بایست ملکی با بهای حداقل هزار تومان در اختیار داشته باشند. تاجران می‌بایست حجره و تجارت معینی داشته باشند. اصناف می‌بایست اهل صنف و صاحب دکانی با اجاره حد وسط در محل باشند. نمایندگان برای دو سال انتخاب می‌شدند. سن آنها می‌بایست حداقل سی سال و حداکثر هفتاد سال باشد و لازم بود که تجربه‌ی سیاسی و نیز سواد خواندن و نوشتن فارسی و قدرت بیان داشته باشند. زنان طبق مواد 3 و 5 حق شرکت در انتخابات را نداشتند.

گروهی از مشروطه‌خواهان نخبه با استفاده از منابع اروپایی به تنظیم پیش‌نویس قانون انتخابات کمک کردند. از جمله صنیع‌الدوله (داماد شاه) و برادرش مخبرالسلطنه. دو پسر مشیرالدوله صدر اعظم، یعنی مشیرالملک (حسن پیرنیا) و موتمن‌الملک (حسین پیرنیا) و محتشم‌السلطنه، دیپلماتی که سال‌ها در آلمان و هند خدمت کرده بود.

اما قانون انتخاباتی که توسط این کمیته تنظیم شد، از دو جانب مورد حمله قرار گرفت: علما می‌خواستند مانع انتخاب دگرباوران دینی به نمایندگی مجلس شوند و به دنبال راهی می‌گشتند که این مسئله را حل کنند. شاید به همین مخاصمه بود که هیچ یک از سه روشنفکر برجسته‌ی بالی ازلی نهضت، ملک‌المتکلمین، سید جمال‌الدین واعظ یا یحیی دولت‌آبادی وارد انتخابات نشدند. از سوی دیگر، سلطنت طلبان می‌خواستند کنترل شاه بر قشون را حفظ کنند و از قدرت روحانیون در مجلس بکاهند.

قانون اساسی جدید در 30 دسامبر 1906 (8 دی 1285) تنها یک هفته قبل از مرگ مظفرالدین شاه به امضا رسید و تا حدودی متأثر از قانون اساسی 1831 بلژیک و قانون 1879 بلغارستان بود.

در هر شهر شش نفر برای انجام ثبت نام اشخاص واجد شرایط و صدور اوراق رأی انتخاب شدند. حوزه‌های انتخاباتی تشکیل شد و سپس جواز انجام انتخابات در محل از پایتخت دریافت شد. در روز انتخابات هر کس که رأی می‌داد، اسمش در فهرست انتخاب کنندگان قلم می‌خورد تا مبدا کسی دو بار به یک نفر رأی بدهد. در پایان رأی‌گیری تک تک ورقه‌ها را می‌خواندند و تعداد آرای هر نامزد را هر کسی که حاضر بود می‌توانست کنترل کند. نام رأی‌دهنده اعلام نمی‌شد و در واقع اوراق رأی بی‌امضا بودند. به طوری که در سیستم انتخابات مثل انگلستان نام رأی‌دهندگان مخفی می‌ماند. در تهران، تبریز و شهرهای دیگری که مشروطه‌خواهان در آنها قدرت داشتند 90 تا 95 درصد واجدان شرایط به پای صندوق‌ها رفتند اما در شهرهای کوچکتر و روستاها این نسبت حداکثر به 50 درصد می‌رسید.

اگر ترکیب طبقاتی مجلس را در نظر بگیریم در می‌یابیم که تقسیم‌بندی‌ها در مجلس اول خیلی وقت‌ها بر اساس ایدئولوژی بود (نه صرفاً بر اساس طبقه). تقی‌زاده می‌نویسد در مجلس اول احزاب سیاسی به این معنا وجود نداشت. فقط رادیکال‌ها (تندروها) و محافظه‌کارها بودند.

ایدئولوژی بعضی از اعضای گروه اول شباهت‌هایی با سوسیالیسم داشت. اما به گفته فریدون آدمیت شاید بهتر باشد از چهار موضع سیاسی در مجلس اول سخن بگوییم؛ از محافظه‌کار و میانه‌رو تا لیبرال و رادیکال.

سعدالدوله و صنیع‌الدوله دو شخصیت برجسته‌ی نگارش قانون انتخابات در نخستین سال مجلس برای کسب رهبری جنگیدند.

جواد سعدالدوله ملقب به ابوالمله (پدر ملت) طراح متمم قانون اساسی 1907 (1285) و رهبر جناح لیبرال رادیکال در مجلس بود (که بعداً این مقام را به تقی‌زاده باخت). مرتضی صنیع‌الدوله داماد مظفرالدین شاه اولین رئیس مجلس بود. صنیع‌الدوله به تدوین قانون انتخابات کمک کرد و در مجلس اول به نمایندگی از

سوی نجبا و زمینداران انتخاب شد. او ابتدا از تقی‌زاده در برابر سعدالدوله حمایت کرد؛ اما بازگشت تندروانه نمایندگان آذربایجان او را به این نتیجه رساند که نمی‌تواند با رادیکال‌ها کار کند و خیلی زود رهبر جناح میانه‌رو- محافظه کار مجلس شد.

بعضی از نمایندگان متنفذ لیبرال و رادیکال در مجلس عبارت بودند از حسن تقی‌زاده، معاضدالسلطنه، ممتاز الدوله، حسین قلی نواب، حکیم الملک، شیخ ابراهیم زنجانی، احسن‌الدوله (نمایندگان زمینداران جزء آذربایجان) و وکیل‌الرعیایا (نمایندگان همدان). چهار تن از آنها یعنی حکیم‌الملک، حسین قلی نواب، ممتازالدوله و معاضدالدوله توسط مجلس انتخاب شدند. معاضدالسلطنه و ممتازالدوله همکار تقی‌زاده در مجلس اول بودند. دو نفر دیگر یعنی حکیم‌الملک و حسین تقی نواب در مجلس دوم نقش مؤثرتری بازی کردند.

21 درصد نمایندگان از طبقات ممتاز، 25 درصد از صنوف روحانیون، 26 درصد از صنوف اصناف بودند. اما این آمارها وابستگی ایدئولوژی آنها را روشن نمی‌کند. بعضی از نمایندگان روحانی، یا ناراضیان مذهبی بودند یا گرایش‌های سوسیال دموکراتیک داشتند. عده زیادی از نجبا و شاهزادگان قاچار در سیاست محافظه‌کار بودند و معدودی نظیر ثقه‌السلطنه میانه‌رو یا نظیر لسان‌الحکما لیبرال بودند.

از اقلیت‌های ارمنیان، یهودیان و زرتشتیان خواسته شد تا از حق انتخاب نماینده برای مجلس چشم‌پوشند. در عوض سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی به ترتیب نماینده یهودیان و ارمنیان در مجلس شدند.

پر سر و صداترین نمایندگان مجلس اعضای اصناف بودند. سی و دو نماینده اصناف تهران به مجلس راه یافتند. این نمایندگان از حمایت انجمن مرکزی اصناف برخوردار بودند که هفتاد صنف را در بر می‌گرفت. آدمیت می‌نویسد که مشه‌دی محمد باقر بقال (نماینده بقالان) و ابراهیم خیاط باشی (نماینده خیاطان) از مترقی‌ترین اعضای مجلس به حساب می‌آمدند. تقی‌زاده نوشته است که نمایندگان اصناف پیگیرترین حامیان مجلس به حساب می‌آمدند و مجلس موجودیت خود را مرهون اعضای شریف و آگاه این طبقه بود. از جمله مشه‌دی محمد باقر بقال، حسین تهرانی سقط فروش (نماینده فروشندگان چای و شکر)، محمد تقی بنکدار (نماینده بزازان)، محمد خوانساری کتابفروش (نماینده چاپچیان و کتابفروشان) و حسین بروجردی (نماینده آهنگران).

مجلس دوم

انتخابات مجلس دوم طبق قانون جدید مصوب 1 ژوئیه 1909 (10 تیر 1288) برگزار شد. در چند بند قانون انتخابات 1909 تشکیل مجلس دموکراتیک‌تری پیش‌بینی شده بود. پنج ایل مهم بختیاری، قشقایی، شاهسون، ترکمن و عشایر خمسه فارس هر کدام نماینده‌ای به انتخاب خودشان داشتند. تعداد نمایندگان تهران به 15 نفر کاهش یافت و سهمیه چندین ایالت و بخصوص آذربایجان بیشتر شد. در قانون جدید حداقل سن نامزدها از بیست و پنج سال به بیست سال کاهش یافت و برای تخفیف تقلب‌های احتمالی در جریان انتخابات، شرط گذاشته شد که نامزدها حداقل شش ماه در حوزه انتخاباتی مقیم بوده باشند.

انتخابات مجلس دوم انجام شد و احزاب جدیدی پا گرفتند از جمله حزب دموکرات که برنامه کار سوسیال دموکراتیک داشت و حزب اعتدالیون که محافظه کار به شمار می‌رفت. برنامه رادیکال حزب دموکرات برای ایجاد دگرگونی‌های اجتماعی شامل تصویب علنی تفکیک دین از دولت، کاهش اقتدار محلی بعضی از سران عشایر و نیز تعریف جدیدی از ملیت بود که فراتر از وابستگی‌های مذهبی و قومی بود. اما برنامه حزب دموکرات با مخالفت ائتلافی محافظه‌کاران‌های به رهبری بهبهانی و روحانیون دیگر، اشراف زمیندار، سران عشایر و حتی بعضی از تاجران و اصناف مواجه شد. در پی انتخابات اکثریتی محافظه‌کار به مجلس راه یافت. در قانون 1906 (1285) انتخابات مستقیم در تهران تصریح شده بود و در ایالات انتخابات از طریق هیئت انتخابات انجام می‌شد. اما در قانون 1909 (1288) انتخابات در سراسر کشور دو مرحله‌ای شد. تعداد نمایندگان مجلس از 162 نفر به 120 نفر تقلیل یافت که از میان عملاً 110 نماینده صاحب کرسی شدند. اکثریت نامتناسبی شکل گرفت که یا متعلق به اشراف و طبقات زمیندار بود یا از جانب آنها پشتیبانی می‌شد.

29 درصد از خانواده‌های ملاک، 28 درصد از خانواده‌های روحانی و 24 درصد از خانواده‌های وابسته به دستگاه قدیمی حکومت بودند که مجموعاً 81 درصد می‌شدند. در مقابل فقط 7 درصد از خانواده‌های تاجران، 4 درصد از خانواده‌های وابسته به اصناف و 3 درصد از طبقات پایین بودند. دموکرات‌ها در مجلس تشکیل اقلیت دادند و برای کسب اکثریت می‌بایست به ائتلاف به احزاب کوچکتر روی بیاورند. بیست‌وشش نماینده از حزب دموکرات بودند و دو یا سه نفر دیگر پیوسته از این حزب دفاع می‌کردند. چهل

و پنج نفر وابسته به حزب محافظه کار اعتدالیون بودند و دو حزب کوچکتر اتفاق و ترقی و نیز ترقی خواهان جنوب هر کدام دو یا چهار نماینده داشتند. اعضای اتفاق و ترقی، ترقی خواهان جنوب و متقلان و عده دیگری موسوم به لیبرالها در نخستین سال مجلس از دموکراتها در برابر اعتدالیون حمایت می کردند؛ اما در سال دوم وقتی اعتدالیون وارد ائتلاف محافظه کارانه شصت و چهار نفره ای با احزاب کوچکتر شدند. دموکراتها به صورت اقلیتی کوچکتر درآمدند.

از نظر تحصیلات دانشگاهی و مدارک آموزشی مجلس دوم جالب توجه بود. بیست و پنج درصد تحصیلات دانشگاهی و چند نفر دکترا داشتند. پنجاه درصد تحصیل سنتی کرده بودند و ده درصد دیگر هم دبیرستان را تمام کرده بودند.

زمینه قومی نمایندگان در انتخابات آنها تاثیر داشت. همه دموکراتها بجز یک نفر، از مناطق شمال، شمال غربی یا شمال شرقی بودند. اعتدالیون تقریباً به یکسان از جانب شمال و جنوب حمایت می شدند. برای نخستین بار یهودیان و ارمنیان نماینده به مجلس فرستادند. نماینده یهودیان دکتر لقمان نهروای، دموکرات بود و نماینده ارمنیان یوسف میرزا یانس، دانشناک بود که حزبش از دموکراتها در مجلس حمایت می کرد.

دموکراتها در مجلس

طبق نظر ملکزاده، حزب دموکرات که برنامه ی سوسیال دموکراتیک داشت، به دلیل ترس از واکنش منفی مردم عنوان دموکرات را به جای سوسیال دموکرات برای خود انتخاب کرد.

بیشتر دموکراتهای مجلس به عنوان منتقدان علنی حکومت در مشروطه اول شهرت داشتند. حسینقلی نواب که لیبرال و تحصیل کرده اروپا و عضو وابسته سفارت لندن بود، عضو کمیته ملی انقلاب و نماینده مجلس اول نیز بود. بعد از کودتای 1908 (1287) نواب به صورت مشروطه خواه برجسته ای در تهران قد علم کرد. شاهزاده سلیمان اسکندری نوه ی فتحعلیشاه نیز عضو کمیته ملی انقلاب و سردبیر نشریه حقوق بود. او یکی از رادیکالترین دموکراتها به حساب می آمد و در تابستان 1910 (1289) رهبر حزب در مجلس شد. وحید الملک شیبانی همکار نزدیک تقی زاده، در کمبریج در نزد براون در رشته تاریخ و ادبیات انگلیس تحصیل کرده بود. شیبانی بعد از کودتای 1908 (1287) سلسله مقاله هایی در تایمز لندن نوشت. او و سلیمان اسکندری دو نفر از بهترین خطیبان مجلس بودند و بارها مانع اوجگیری قدرت اعتدالیون شدند. محمدرضا مساوات نیز عضو کمیته ملی انقلاب و سردبیر نشریه مساوات بود که یکی از روزنامه های مهم رادیکال در مشروطه اول به شمار می آمد. ابراهیم حکیم الملک طبیب مخصوص مظفرالدین شاه، حامی هنر بود و بعداً مدرسه نقاشی کمال الملک و موزه صنایع زیبا را تأسیس کرد که پیشگام در تربیت انواع هنرمندان در رشته های مختلف شدند. حزب دموکرات چندین عضو برجسته مذهبی نیز داشت. هر چند که در برنامه ی حزبی تفکیک دین از دولت تأیید شده بود. احمد قزوینی از علمای مشروطه خواه نجف که در جنگ تبریز شرکت کرده بود، شیخ ابراهیم زنجانی که پسر یکی از روحانیون برجسته بود، اما خودش فراماسون محسوب می شد و عضو مجلس اول هم شده بود؛ زنجانی در محکمه ویژه ای که شیخ فضل الله نوری را محکوم کرد، مدعی العموم بود. شیخ محمد خیا بانی که بیشتر به نفع دموکراتها رای می داد، عضو انجمن تبریز بود. او روحانی خوشنام و از خطبای نیرومند آذربایجان بود که در زمان جنگ داخلی به صفوف رزمندگان مجاهدین پیوسته بود و می گفتند که عضو فرقه ی اجتماعیه عامیون است. یک دهه بعد او رهبر نهضت ملی در آذربایجان شد که قیام خیابانی نام گرفت.

حزب اعتدالیون:

رهبران اعتدالیون مرتضی قلی نائینی، محمدصادق طباطبایی (پسر طباطبایی بزرگ) و علی محمد دولت آبادی (برادر کوچکتر یحیی دولت آبادی) بودند. بسیاری از کسبه و اصناف که پیرو بهرمانی بودند از اعتدالیون طرفداری می کردند و این سخن اتهام آمیز آنها را پذیرفتند که عقاید و مرام حزب دموکرات با اصول و مبانی دین تطبیق نمی کند. خطرات حزب دموکرات در مورد تفکیک دین از دولت، بارها و بارها از جانب اعتدالیون مطرح می شد تا این مدعا اثبات شود که دموکراتها دشمن روحانیت هستند. حتی ستارخان و باقرخان قهرمانان تبریز که با آن شور و هیجان در تبریز به روحانیون محافظه کار انجمن اسلامی یورش برده بودند، وقتی در تهران مستقر شدند از اعتدالیون هواداری کردند.

علاوه بر این حزبها، تشکیلات کوچک دیگری از قبیل اصلاحیهون (سوسیال رفرمیستها یا سوسیالیستهای اصلاح طلب)، اجتماعیهون انقلابیهون (سوسیال رولوسیونرها یا سوسیالیستهای انقلابی)، سوسیال دموکراتها (اجتماعیهون عامیون) و حزبهای هنجاک و دانشناک در خارج از مجلس فعالیت داشتند.

منابع:

- 1- انقلاب مشروطیت ایران: زانت آفاری – ترجمه رضا رضایی.
- 2- تاریخ انقلاب مشروطیت ایران: تألیف دکتر مهدی ملک‌زاده.
- 3- حیات یحیی: یحیی دولت‌آبادی.
- 4- تاریخ ایران: ژنرال سربکسی- جلد 2.
- 5- ایران در دوران سلطنت قاجار: علی‌اصغر شمیم.

عبدالمجید زواری: دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل
